



سال ششم • پاییز و زمستان ۹۹ • شماره ۱۳

Biannual Journal of Islamic Psychology
Vol. 6, No. 13, Autumn & Winter 2021

سخن سردبیر

روان‌شناسی اسلامی؛ از پژوهش‌های ابتر به کوثر

پس از انقلاب اسلامی و به مدد فراهم شدن بستر پژوهش‌های اسلامی، حرکت به سمت پژوهش‌های اسلامی - روان‌شناختی آغاز شد. این حرکت به مرور زمان و به تناسب پختگی و رشدیافتگی، دوره‌های مختلفی را طی کرده که اکنون مسئله این نوشتار نیست. همچنین به تدریج مراکز مختلفی در این حوزه تاسیس شدند که نشان از اهمیت دادن به این موضوع داشت. شاید بتوان از نخستین مراکز، به دفتر همکاری حوزه و دانشگاه اشاره کرد که بعدها به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تبدیل شد. اقدام عمده دیگر، تأسیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام به همت مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی بود. البته در این دو مرکز، دانش‌های دیگری مانند جامعه‌شناسی، اقتصاد، مدیریت و مانند آن نیز آموزش داده می‌شود. مراکز و نهادهای دیگری نیز مانند گروه روان‌شناسی اسلامی پژوهشگاه قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، دانشگاه باقرالعلوم و... هستند که با دامنه کوچک‌تر به این‌گونه فعالیت‌ها می‌پردازند. همه این مراکز پژوهش‌هایی با محوریت آموزه‌های اسلامی طراحی و اجرا می‌کنند. نمونه این اقدامات پژوهشی را می‌توان در آثار منتشرشده پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام و پژوهشگاه قرآن و حدیث مشاهده کرد.

مسئله اصلی، کارآمدی و اثربخشی این پژوهش‌هاست. پژوهش به‌منظور حل مشکلات روان‌شناختی صورت می‌گیرد. معمولاً در پژوهشگاه‌ها، هر پژوهشگر پروژه‌ای را در اختیار گرفته و با به فرجام رساندن آن طی فرایندی چند ساله، نهایتاً در قالب اثری مکتوب منتشر می‌سازد. در دانشگاه‌ها نیز دانشجویان موضوعات پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی را انتخاب کرده، به تصویب رسانده

و در نهایت دفاع می‌کنند. اکثر این آثار، پس از مدتی مهمان قفسه کتابخانه‌ها شده و عمر آن‌ها پایان می‌یابد! مراکز که از این آثار حمایت کرده‌اند، کاری به آن‌ها ندارند؛ گویا هدف نهایی چاپ یک اثر یا گرفتن مدرک است و بس!!؟ جالب این‌که خود پژوهشگران نیز در غالب موارد، کاری با پژوهش خود نداشته و اگر عضو مراکز پژوهشی اند به سراغ طرحی دیگر با موضوعی دیگر می‌روند و اگر دانشجو بوده‌اند به سراغ کار خود رفته و رابطه خود را با آن پژوهش قطع می‌کنند. نتیجه این می‌شود که این پژوهش‌ها گویا در بیابانی بزرگ و بی‌آب و علف رها گشته‌اند. این همان چیزی است که از آن به «پژوهش ابتر» یاد می‌کنیم. پژوهش ابتر پژوهش‌های بی‌ثمری است که تنها اثر آن رفع تکلیف از پژوهشگر و مرکز آموزشی یا پژوهشی است و فقط برای گزارش کار یا دریافت مدرک مفیدند!! این در حالی است که رشد دانش روان‌شناسی در دنیا (همانند سایر رشته‌ها)، مرهون تمرکز پژوهشگر، حمایت مراکز پژوهشی و کار مستمر در یک موضوع تا رسیدن به نتیجه مطلوب است. ابتر ماندن پژوهش‌های روان‌شناختی، به دلیل نداشتن چشم‌اندازی روشن و نظام موضوعاتی مشخص است. برای تبدیل شدن پژوهش‌های روان‌شناختی به کوثری جوشان و قیّاض، باید برنامه پژوهشی مشخصی مبتنی بر نظام موضوعات و مسائل تهیه و موضوعات کلان، به پژوهش‌های خرد تقسیم شود و پژوهشگری ارشد بر تمام این پژوهش‌ها اشراف داشته باشد تا در نهایت نتایج خرد را به اثری سودمند و کوثری جوشان تبدیل کند. در حال حاضر، رساله‌ها و پایان‌نامه‌های بی‌شماری وجود دارند که پژوهشی نظری را انجام داده و یا یکی از مراحل ساخت مقیاس یا پروتکل درمانی و مشاوره‌ای را گذرانده اما به حال خود رها شده‌اند. این یعنی توقف در ایستگاه اول! مراکز آموزشی و پژوهشی لازم است با تهیه برنامه‌های پژوهشی، برای هر طرح پژوهشی، توجیهی روشن در قالب برنامه داشته باشند و پس از انجام مرحله نخست، گام‌های بعدی را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که به نتیجه‌ای مشخص دست یابند، در غیر این صورت، همه ما مسئول اتلاف وقت و هزینه صرف‌شده و به‌ویژه مسئول اقبال و اعتماد بر بادرفته‌ای که به متون دینی شده است، خواهیم بود و گمان ندارم که بتوان از آن فرار کرد. خداوند ما را در امان بدارد.